

بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان

دکتر مریم فاتحی زاده*، دکتر سید احمد احمدی**

چکیده:

هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، توقع/کناره‌گیری و اجتنابی متقابل با رضایتمندی زناشویی در شهر اصفهان است. نمونه شامل ۴۰ زوج از کارکنان شاغل در دانشگاه اصفهان است. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی ساده انجام گرفته است. ابزارهای به کار رفته عبارتند از: پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) و پرسشنامه رضایتمندی ENRICH. هر دو ابزار از روایی و پایایی بالایی برخوردارند. لیکن پرسشنامه‌ها به صورت زوجی توسط هر دو زوج کامل شد. یافته نشان می‌دهد که: بیشترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی در گروه زنان است. در همین گروه الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری تقریباً رابطه‌ای با رضایتمندی زناشویی نشان نداد و بالاخره همبستگی بین رضایتمندی زناشویی و ارتباط اجتنابی متقابل منفی بدست آمد. نتایج بدست آمده در گروه مردان نیز کاملاً شبیه زنان است. در این گروه نیز بیشترین همبستگی، بین ارتباط سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی است. بین الگوی توقع/کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی رابطه نزدیک به صفر است و بالاخره بین رابطه الگوی اجتنابی متقابل و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: گونه‌شناسی ازدواج، الگوی ارتباطی زوجین، ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل، ارتباط توقع/کناره‌گیری، رضایتمندی زناشویی.

مقدمه

ارتباط زناشویی عبارتست از فرایندی که در طی آن زن و شوهر چه به صورت کلامی در قالب گفتار و چه به صورت غیرکلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند. یکی از راه‌های نگرستن به ساختار خانواده توجه به الگوی ارتباطی زوجین، یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوهای ارتباطی گفته می‌شود و مجموعه این الگوها شبکه ارتباطی خانواده را شکل می‌دهند (ترنهلیم^۱ و یانسن^۲، ۱۹۹۶).

مقایسه الگوهای ارتباطی در دو دسته از ازدواج‌های موفق و ناموفق یکی از اهداف مهم پژوهش‌ها در حوزه مشاوره خانواده و ازدواج است. در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام گرفته و الگوهای ارتباطی زیادی توسط متخصصین شناسایی شده است که به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم:

طبقه‌بندی اول توسط گاتمن (۱۹۹۳) و فیتز پاتریک (۱۹۸۸) انجام گرفته است. آنها با استفاده از ابزار پرسشنامه و مشاهده به وجود دو نوع الگوی ارتباطی کلی در ازدواج پی بردند: زوجیت باثبات، زوجیت بی‌ثبات. زوجیت باثبات شامل: زوج‌های سنتی^۳، زوج‌های دوجنسیتی (آندروژن)^۴ و زوج‌های اجتنابی (دوری‌گزین)^۵ می‌شود.

زوج‌های سنتی با نقش‌های جنسی سنتی یعنی نقش‌های مردانه و زنانه انطباق دارند. وظایف زن و مرد کاملاً از یکدیگر متمایز و مشخص است. اهداف خانوادگی را بر اهداف فردی ترجیح می‌دهند. دارای برنامه منظم و مشخص روزمره هستند. در منزل در مکانی مشترک زندگی می‌کنند و هیچ یک اتاق خصوصی متعلق به خود ندارد. حد متوسطی از هیجانات مثبت و منفی را از خود نشان می‌دهند. از به وجود آمدن تعارض به جز در مسائل بسیار مهم اجتناب می‌کنند. به یکدیگر گوش داده و سعی در ابزار همدلی به هم می‌کنند و بعد از پایان هر تعارض آشکارا در پی راضی کردن و متقاعد کردن طرف مقابل هستند.

در زوج‌های دوجنسیتی (آندروژن) زن و مرد هر دو در قبول نقش‌های جنسی زنانه و مردانه مساوات طلب هستند یعنی وظایف زوجین به وظایف مردانه و زنانه تقسیم نمی‌شود، بلکه هر دو در مواقع مقتضی هر دو نقش را ایفا می‌کنند. اهداف فردی را بر اهداف خانوادگی ترجیح می‌دهند. برنامه زندگی منظم و از پیش تعیین شده‌ای ندارند. در منزل اتاق خصوصی دارند. سطوح بالایی از هیجان‌های مثبت و منفی را از خود نشان می‌دهند و ترجیح می‌دهند برای حل مشکلات، درگیر در مذاکره و بحث طولانی در مورد بسیاری از مسائل شوند.

زوج‌های اجتنابی (دوری‌گزین) با نقش‌های جنسی سنتی یعنی نقش‌های مردانه و زنانه سازگاری دارند، وظایف مرد و زن کاملاً از هم جدا و متمایز است. در منزل اتاق‌های خصوصی دارند. از بروز هر نوع تعارض اجتناب می‌کنند. دارای مهارت‌های اندکی در جهت حل تعارض هستند. زمانی که تعارضی به وجود

می‌آید، هر یک نظر خود را بیان می‌کند، ولی هیچ‌کدام تلاشی برای متقاعد کردن طرف مقابل و ایجاد تفاهم انجام نمی‌دهند. آنها معتقدند که اختلافاتشان در مقایسه با ارزش‌ها و اصول مشترکشان اندک و ناچیز است و بالاخره بحث‌های آنها هیجانی و عاطفی نیست.

زوجیت بی‌ثبات نیز شامل زوج‌های ناسازگار و زوج‌های آزاد و مستقل می‌شود: زوج‌های ناسازگار در زمانی که درگیر تعارض می‌شوند هیچ‌کدام کوشش سازنده‌ای برای حل آن نمی‌کنند. ارتباط این زوجین توأم با عیبجویی و سرزنش دائمی، ذهن خوانی و حالت تدافعی، بروز هیجان منفی زیاد و هیجان مثبت اندک است. الگوی تعاملی با حمله و کناره‌گیری همراه است.

زوج‌های آزاد و مستقل از بروز تعارض جلوگیری می‌کنند و مهارت‌های اندکی در جهت حل مسئله دارند. ویژگی تعامل و ارتباط آنها با عیبجویی و سرزنش مختصر و کوتاه، ذهن خوانی و حالت تدافعی اندک همراه است. سطح هیجان منفی آنها بسیار پایین و تقریباً هیچ هیجان مثبتی از خود بروز نمی‌دهند. الگوی تعاملی آنها کناره‌گیری-کناره‌گیری است.

گاتمن (۱۹۹۳) دریافت که در هر سه الگوی زوجیت باثبات نسبت تبادل کلامی مثبت به منفی در جریان حل تعارض پنج به یک است، در حالی که این نسبت در هر دو الگوی زوجیت بی‌ثبات تقریباً یک به یک است. در نتیجه روابط زناشویی باثبات و بی‌ثبات هر دو از الگوهای رفتاری خاصی تبعیت می‌کنند. السون^۶ و فاورز^۷ (۱۹۹۲) نیز در گونه‌شناسی معروف خود، زوجین را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: زوجین سرزنده^۸: از رضایتمندی زناشویی سطح بالایی برخوردارند. آنها توانایی بیان احساسات و قدرت حل مشکل را با مشارکت یکدیگر دارند. آنها از روابطشان با یکدیگر و از این‌که اوقات فراغت را با هم بگذرانند، خوشحال هستند. به مسائل اخلاقی و مذهبی در ازدواج اهمیت می‌دهند. بر سر مسائل مالی با هم توافق دارند و در نقش‌های مردانه و زنانه تساوی طلب هستند.

زوجین سازگار^۹: رضایتمندی زناشویی در آنها در سطح متوسط است و از شخصیت و عادات یکدیگر نسبتاً راضی هستند، احساس می‌کنند که توسط همسرشان درک می‌شوند. در احساسات همدیگر شریکند، قادر به حل مشکلات با کمک هم هستند. گاه دیدگاه‌شان نسبت به ازدواج قدری غیر واقعی است. ممکن است در مورد مسائل مربوط به فرزندان و ارتباطشان با یکدیگر اتفاق نظر نداشته باشند و مذهب بخش مهمی از ارتباطشان نیست.

زوجین سنتی^{۱۰}: نارضایتی متوسطی در حوزه‌های ارتباطی دارند، از عادات شخصی همسرشان ناراضی هستند. در بیان احساسات و مواجهه با تعارض راحت نیستند. آنها متمایلند نظرشان نسبت به ازدواج واقعی باشد و به مذهب در ازدواجشان اهمیت می‌دهند.

زوجین متعارض^{۱۱}: از عادات و شخصیت همسرشان ناراضی هستند. مشکل ارتباطی دارند و مشکلاتی را در حوزه‌های ارتباطی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، روابط جنسی، اختلاف با دوستان همسر و خانواده او و غیره دارند.

بررسی دیگر در این زمینه توسط استوارت^{۱۲} (۱۹۶۹) انجام گرفت. او در زمره اولین کسانی بود که به شناسایی تبادلات ارتباطی ناسازگار در تعارض زوجین پرداخت. به اعتقاد او برخی از الگوهای خاص تبادلی مشکل‌ساز بین زوجین عبارتند از: تبادلات اجباری، کناره‌گیری، تبادلات تلافی‌جویانه، شکایت دو جانبه و سندرم خودمحوری در بحث و گفتگو.

تبادلات اجباری: در این تبادل، همواره یکی از زوجین در پاسخ به تقویت مثبتی که طرف مقابل دریافت می‌کند، تقویت منفی می‌گیرد. مثلاً مرد برای رسیدن به هدف خود و گرفتن امتیاز، زن را مورد حمله و انتقاد قرار می‌دهد و این کار را تا آنجا ادامه می‌دهد که زن بحث را رها کرده و اجازه پیروز شدن را به همسرش بدهد. در این تبادل، مرد با بدست آوردن هدفش پاداش می‌گیرد (تقویت مثبت)، زن نیز با این واقعیت که مرد از انتقاد و سوء رفتار نسبت به او دست برداشته، تقویت می‌شود (تقویت منفی). لیکن گرفتن تقویت مثبت و منفی توسط هر دو طرف، احتمال تکرار (عود) این الگو را در آینده افزایش می‌دهد.

کناره‌گیری: در این تبادل فقط تقویت منفی وجود دارد. به این صورت که وقتی منازعه و درگیری زوجین در هنگام تعارض بسیار آزاردهنده می‌شود، یکی از آنها یا هر دو از منازعه کناره‌گیری می‌کند، زیرا رهایی از درگیری و قطع منازعه و بحث و جدل (تقویت منفی) بسیار پاداش دهنده است. این الگو ممکن است در اثر تجارب زن و شوهر در خانواده‌های اصلیشان به وجود آید. از سوی دیگر یک فرد کناره‌گیر هیچ امیدی ندارد که بحث و جدل به نتیجه‌ای مثمر ثمر و پاداش دهنده منجر شود. او هرگز لذت بیان احساسات خود به دیگران و شادی رسیدن به راه حلی متقابل و مبتنی بر بحث و حل مسئله را تجربه نکرده است.

نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که بین الگوهای ارتباط زوجین و رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد. برخی معتقدند که رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و رضایت زناشویی ممکن است به عقاید زوجین درباره ازدواج که در قالب طبقه‌بندی‌های فوق بیان گردید، بستگی داشته باشد. مثلاً نولر و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) به نقل از سیلارز^{۱۳} و همکاران (۱۹۸۳) بیان می‌کنند که رضایتمندی زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر اتکاء متقابل و نزدیکی دارند با سطوح بالای در میان گذاشتن اطلاعات همبستگی دارد، در حالیکه رضایتمندی زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر استقلال و دوری دارند، به نحو مثبتی با اجتناب از تعارض و کشمکش همبستگی دارد.

البته عوامل مؤثر در رضایتمندی زناشویی متعدد بوده و از جمله این عوامل می‌توان به عوامل روان-شناختی، جمعیت‌شناختی، ویژگی والدین، سلامت جسمی و روانی زوجین، ویژگی‌های شخصیتی، میزان استقلال و وابستگی، جذابیت جسمانی، عوامل قبل از ازدواج و ترکیبی از عوامل فوق نام برد.

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی زوجین (گونه‌شناسی ازدواج) و رضایتمندی زناشویی انجام گرفته است. در این راستا تعیین رابطه بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و

رضایتمندی زناشویی، تعیین رابطه بین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی و تعیین رابطه بین الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل و رضایتمندی زناشویی مورد نظر است.

روش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد پژوهش کلیه کارکنان متأهل شاغل در حوزه معاونت فرهنگی دانشگاه اصفهان که در زمان نمونه‌گیری با همسر خود زندگی می‌کردند را شامل می‌شود. نمونه آماری ۴۰ زوج از زوج‌های مذکور که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند را در بر می‌گیرد. حجم نمونه ۸۰ نفر است.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر از پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH استفاده شد:

پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)

این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستینسن و سالووی^{۱۴} در دانشگاه کالیفرنیا تهیه شده و دارای ۳۵ سؤال است. پاسخ‌ها در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از ۱ (غیرممکن است) تا ۹ (خیلی ممکن است) درجه‌بندی شده، رفتارهای زوجین را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی برآورد می‌کند. این سه مرحله زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می‌شود، در مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود، بعد از بحث در مورد مشکل ارتباطی را در بر می‌گیرد. همچنین دارای سه مقیاس است: مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری. ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط سازنده متقابل متقابل است. مرد متوقع/زن کناره‌گیر و زن متوقع/مرد کناره‌گیر. تحقیقاتی که از این پرسشنامه استفاده نموده‌اند، روایی و پایایی قابل قبولی را در مورد خرده مقیاس‌های مختلف آن نشان داده‌اند. کریستینسن و شنک (۱۹۹۱) روایی سه خرده مقیاس این پرسشنامه را برآورد نمودند. در این مطالعه که در آن سه گروه از زوجین غیر درمانده، درمانده و در حال طلاق یا جدا شده با هم مقایسه شدند؛ خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل توانست بین هر سه گروه تمیز قائل شود، در حالی که خرده مقیاس‌های ارتباط اجتنابی متقابل و توقع/کناره‌گیری تنها توانستند بین زوجین درمانده و غیردرمانده تفکیک قائل شوند (رسولی، ۱۳۸۰). نتایج پایایی کریستینسن و هوی (۱۹۹۰) و هوی و همکارانش (۱۹۹۳) بر روی آزمودنی‌های آمریکایی شباهت بسیاری با کار بتمن و همکارانش (۱۹۹۸) بر

روی آزمودنی‌های سوئیدی و آلمانی دارد. آلفای کرونباخ بدست آمده در پژوهش‌های این محققان بر روی ۵ مقیاس پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) از ۰/۴۴ تا ۰/۸۵ گزارش شده است، که نتایج رضایت‌بخشی است. علاوه بر این نتایج پایایی بتمن و همکارانش (۱۹۹۶) بر روی آزمودنی‌های سوئیدی و آلمانی نیز رضایت‌بخش است. آلفای کرونباخ بدست آمده در پژوهش این محققان بر روی مقیاس ارتباط سازنده متقابل CPQ، بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ گزارش شده است که نتایج رضایت‌بخشی است (عبادت‌پور، ۱۳۷۹).

در ایران عبادت‌پور (۱۳۷۹) پرسشنامه فوق را هنجاریابی کرده و به منظور برآورد روایی پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را محاسبه کرده است. ضرایب همبستگی بدست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل و ارتباط توقع‌اکناره‌گیری به ترتیب عبارت از ۰/۵۸، ۰/۵۸- و ۰/۳۵ است که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار بودند. برای تعیین پایایی پرسشنامه، همبستگی درونی در مورد خرده مقیاس‌های این پرسشنامه محاسبه گردید و ارقام بدست آمده به ترتیب عبارتند از: سازنده متقابل ۰/۵۰، اجتنابی متقابل ۰/۵۱، مرد متوقع/زن کناره‌گیر ۰/۵۳ و زن متوقع/مرد کناره‌گیر ۰/۵۵ (عبادت‌پور، ۱۳۷۹).

پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH

فرم اصلی این پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است. اولسون (۱۹۸۹) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده و معتقد است که هر یک از موضوع‌های این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را بیان کند، یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص کند. فرم اصلی با توجه به زیاد بودن سؤال‌های پرسشنامه موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی‌ها می‌شد، بنابراین سلیمان‌نژاد (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکر غیرمنطقی در نارضایتی زناشویی» فرم کوتاهی از این پرسشنامه تهیه کرد که دارای ۴۷ سؤال است.

سؤالات به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) هستند. به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز تعلق می‌گیرد. نمره بالا در این پرسشنامه نشانه نارضایتی زناشویی و نمره پایین نشانه رضایت از رابطه زناشویی است. حداقل نمره ۴۷ امتیاز و حداکثر نمره ۲۳۵ امتیاز است (عبادت‌پور، ۱۳۷۹).

در فرم اصلی پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH، اولسون و همکارانش (۱۹۸۹) پایایی پرسشنامه را با روش ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کردند. سلیمان‌نژاد (۱۳۷۳) پایایی پرسشنامه را در فرم کوتاه از طریق محاسبه ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش کرد. (عبادت‌پور، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر از فرم کوتاه این پرسشنامه استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش توصیفی و نتایج حاصل از سؤالات ارائه می‌شود. یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد نمرات زنان و مردان در آزمون الگوهای ارتباطی و آزمون رضایتمندی زناشویی است. این یافته‌ها در جدول ۱ و ۲ نشان داده شده‌اند.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات زنان در خرده مقیاس‌های آزمون الگوهای ارتباطی و آزمون رضایتمندی زناشویی

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص / نیاس
۳۷	۱۷۰	۴۰	رضایتمندی زناشویی
۹/۰۴	۳۰/۰۲	۴۰	سازنده متقابل
۷/۹۵	۲۴/۵۴	۴۰	کناره‌گیری / توقع
۴/۳۹	۱۱/۷۱	۴۰	اجتنابی متقابل

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات مردان در خرده مقیاس‌های آزمون الگوهای ارتباطی و آزمون رضایتمندی زناشویی

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص / نیاس
۴۰	۱۷۴/۳۷	۴۰	رضایتمندی زناشویی
۱۰/۴۸	۲۹/۲	۴۰	سازنده متقابل
۸/۰۱	۲۳/۱۱	۴۰	کناره‌گیری / توقع
۴/۲۹	۱۲/۸	۴۰	اجتنابی متقابل

یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها به صورت ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌های آزمون الگوهای ارتباطی و آزمون رضایتمندی زناشویی در زنان و مردان در جداول ۳ و ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول شماره ۳: رابطه میزان رضایتمندی زناشویی و خرده مقیاس‌های الگوهای ارتباطی در زنان

P Value	میزان رابطه	ضریب همبستگی	عداد	شاخص
				نیاس
۰/۱۴	۶/۲۵	۰/۲۵	۴۰	سازنده متقابل
۰/۹۳	۰/۰۲	۰/۰۱۵	۴۰	کناره‌گیری / توقع
۰/۳۴	۲/۵۶	-۰/۱۶	۴۰	اجتنابی متقابل

جدول شماره ۴: رابطه میزان رضایتمندی زناشویی و خرده مقیاس‌های الگوهای ارتباطی در مردان

P Value	میزان رابطه	ضریب همبستگی	عداد	شاخص
				نیاس
۰/۲۹	۳/۲۴	۰/۱۸	۴۰	سازنده متقابل
۰/۸۳	۰/۰۹	۰/۰۳	۴۰	کناره‌گیری / توقع
۰/۸۷	۰/۰۷	-۰/۰۲۸	۴۰	اجتنابی متقابل

نتایج بدست آمده از جداول فوق نشان می‌دهد که: بیشترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی در زنان دیده می‌شود. به این معنا که در زنان در صورتی که الگوی ارتباطی از نوع رابطه سازنده متقابل باشد، میزان رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد. ($r=0/25$). رابطه توقع/کناره‌گیری تقریباً رابطه‌ای را با رضایتمندی زناشویی نشان نداد ($r=0/015$). میزان همبستگی به صفر نزدیک بوده، نشان می‌دهد که در زنان الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری با رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای ندارد. همبستگی بین رضایتمندی زناشویی و ارتباط اجتنابی متقابل منفی بدست آمد ($r=0/016$) و این نشان‌دهنده این است که در زنان با افزایش روابط اجتنابی متقابل، میزان رضایتمندی زناشویی کاهش می‌یابد.

نتایج بدست آمده در گروه مردان نیز کاملاً شبیه به زنان بود. در آنجا نیز بیشترین همبستگی بین ارتباط سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی دیده شد ($r=0/18$). بین رابطه توقع/کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی رابطه نزدیک به صفر بود ($r=0/037$) و بالاخره بین رابطه اجتنابی متقابل و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی بدست آمد ($r=0/028$).

بنابراین رابطه سازنده متقابل بیشترین همبستگی را با رضایتمندی زناشویی در مردان و زنان دارد. رابطه توقع/کناره‌گیری ارتباط چندانی با رضایتمندی زناشویی ندارد و رابطه بین ارتباط اجتنابی متقابل و رضایتمندی زناشویی منفی است.

مقایسه میزان رضایتمندی زناشویی زنان و مردان نشان داد که میانگین رضایتمندی مردان بیش از زنان است (میانگین مردان ۱۷۴/۳۷، میانگین زنان ۱۷۰)، لیکن میزان تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود (P Value = ۰/۱۸).

بحث

به دنبال پی بردن به نقش ارتباط در زندگی زناشویی و به‌ویژه رضایتمندی و تعارض زناشویی، بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی و رضایتمندی زناشویی و مقایسه متغیرهای فوق در دو دسته از ازدواج‌های موفق و ناموفق یکی از اهداف مهم پژوهش‌های گذشته به شمار می‌رود. پژوهش حاضر نیز که با همین هدف انجام گرفت، به نتایج مهمی در این زمینه دست یافت. نتایج این پژوهش در مجموع نشان می‌دهد که دو متغیر فوق با یکدیگر همبستگی دارند. بدین صورت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از یک‌سو با بهبود سبک ارتباطی زوجین، رضایتمندی زناشویی آنها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر زوجی که احساس رضایتمندی و آرامش بیشتری از زندگی خود دارند، احتمالاً از سبک‌های ارتباطی سالم‌تری استفاده می‌کنند. بنابراین رابطه بین دو متغیر، رابطه‌ای دوجانبه بوده و احتمالاً با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش خواهد یافت. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مشابه در این زمینه مطابقت دارد. کرچلر^{۱۵} (۱۹۸۹) در پژوهش خود دریافت که زوجین خوشبخت به‌طور متوسط هر روز حدود هفت ساعت را با هم سپری می‌کنند، در حالی که زوجین ناراضی روزی پنج ساعت با هم هستند. بعلاوه زوجین خوشبخت زمان بیشتری را نسبت به زوجین ناراضی به صحبت کردن با یکدیگر و بحث درباره موضوعات شخصی سپری کرده و مدت زمان کمتری در تعارض زناشویی به سر می‌برند.

مطالعه گاتمن (۱۹۷۷) نیز نشان داد که رفتار غیرکلامی بهتر از رفتار کلامی می‌تواند زوجین درمانده و غیر درمانده را از یکدیگر تفکیک کند. همچنین زوجین درمانده نسبت به زوجین غیر درمانده تمایل بیشتری برای ابراز متقابل عواطف منفی دارند. نولر^{۱۶} و فیتز پاتریک (۱۹۹۰) به نقش عامل دقت همسران در به رمز درآوردن و رمزگردانی پیام‌هایی که بین آنها رد و بدل می‌شود در تفکیک زوجین خوشبخت و ناراضی از هم پرداخته و به این نتایج دست یافتند: زوجین درمانده در رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی همسران‌شان در مقایسه با رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی افراد غریبه از دقت کمتری برخوردارند. این کمبود دقت در رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی بیشتر در شوهران مشاهده می‌شود تا در زنان. عواطف منفی روبرو افزایش در تعامل بین زن و شوهر ممکن است عامل مداخله‌گر در توانایی شوهر برای رمزگردانی پیام‌های همسرش باشد و زن و شوهر در ازدواج‌های ناموفق نسبت به این امر که یکدیگر

را درک نمی‌کنند، واقف نیستند. نولر و فیتز پاتریک (۱۹۹۰) معتقدند که رضایتمندی زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر اتکاء متقابل و نزدیکی دارند با سطوح بالای در میان گذاشتن اطلاعات همبستگی دارد، در حالی که رضایتمندی زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر استقلال و دوری دارند به نحو مثبتی با اجتناب از تعارض و کشمکش همبستگی دارد (به نقل از رسولی، ۱۳۸۰).

شواهد بسیار نشان می‌دهد که رابطه توقع/کناره‌گیری یعنی الگویی که در آن یکی از همسران از بحث خودداری می‌کند و دیگری سرزنش یا گله و شکایت می‌کند، با عدم رضایتمندی زناشویی همخوانی دارد (کریستنسن و هوی، ۱۹۹۰؛ فوگارتی، ۱۹۷۶؛ یاکوبسن و مارگولین^{۱۷}، ۱۹۷۹؛ نولر، فنی^{۱۸}، بونل^{۱۹}، و کالان^{۲۰}، ۱۹۹۴). لیکن ارتباط بین این الگو و رضایتمندی زناشویی در دراز مدت چندان مشخص نیست. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این الگو مخصوصاً هنگامی که زن متوقع و مرد کناره‌گیر باشد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کاهش رضایتمندی (هوی، کریستنسن و ملامات^{۲۱}، ۱۹۹۵) و طلاق (گاتمن و لوینسون^{۲۲}، ۲۰۰۰) باشد. اما پژوهش‌هایی نیز وجود دارد که نتوانسته ارتباط بین الگوی زن متوقع و مرد کناره‌گیر و کاهش میزان رضایتمندی را اثبات کند (هوی، لین^{۲۳} و کریستنسن، ۱۹۹۳؛ نولر و همکاران، ۱۹۹۴). بعلاوه برخی از پژوهش‌ها نیز اثبات کرده‌اند که زمانی که زنان در ارتباطی قرار می‌گیرند که خودشان کناره‌گیر و همسرشان متوقع است، میزان رضایتمندی آنها افزایش می‌یابد. (گاتمن، کراکف^{۲۴}، ۱۹۸۹؛ هوی و همکاران، ۱۹۹۵؛ هوی و همکاران، ۱۹۹۳).

شواهد همچنین نشان می‌دهد که الگوی مرد متوقع/ زن کناره‌گیر با رضایتمندی زناشویی هر دو هم در زمان حال و هم در سال‌های آینده ارتباط دارد (هوی و همکاران، ۱۹۹۵ به نقل از کاجلین، ۲۰۰۲). بنابراین اگرچه پژوهش‌ها به‌طور مکرر وجود ارتباط بین الگوی توقع/کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی را به اثبات رسانده‌اند، اما اکثر پژوهش‌ها بیانگر آن است که نحوه این ارتباط پیچیده بوده و ماهیت آن هنوز به‌طور کامل شناخته شده نیست. بنابراین از آنجا که این الگو در پیش‌بینی پیامدهای مهم ازدواج از جمله رضایتمندی زناشویی و طلاق مهم و تعیین‌کننده است، لذا تلاش در جهت فهم بهتر و دقیق‌تر این رابطه پیچیده اهمیت زیادی دارد و باید در پژوهش‌های آینده مورد بررسی عمیق‌تر قرار گیرد.

به‌طور خلاصه نتایج بدست آمده در این پژوهش، در دو الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی متقابل با مبانی نظری و پژوهش‌های انجام گرفته توافقی دارد، اما ارتباط بین الگوی توقع/کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی دارای ابهاماتی است.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی در زوجین می‌توان از دو راهکار استفاده کرد:

شناسایی سبک ارتباطی زوجین و سعی در تغییر سبک‌های ارتباطی ناسالم از طریق آموزش، مشاوره و سایر مداخله‌های درمانی. شناسایی متغیرهای مرتبط با رضایتمندی زناشویی و سعی در ارتقاء این

متغیرها تا نهایتاً با افزایش رضایتمندی زناشویی و ارتقاء کیفیت زندگی، در فضایی توأم با آرامش و اعتماد، سبک‌های ارتباطی زوجین نیز بهبود یابد.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|--------------|
| 1. Trenholm | 13. Sillars |
| 2. Jensen | 14. Salavy |
| 3. Traditional | 15. Kirchler |
| 4. Androgynous | 16. Noller |
| 5. Avoidant | 17. Margolin |
| 6. Olson | 18. Feeney |
| 7. Fowers | 19. Bonnell |
| 8. Vitalized couple | 20. Callan |
| 9. Harmonious Couple | 21. Malamuth |
| 10. Traditional Couple | 22. Levenson |
| 11. Conflicted Couple | 23. Layne |
| 12. Stewart | 24. Krokoff |

منابع

- رسولی، محسن (۱۳۸۰). رابطه بین الگوهای ارتباطی زن و یا شوهران دانشجوی دانشگاه‌های تهران و الگوهای ارتباطی والدین آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- سلیمان‌نژاد (۱۳۷۳). بررسی تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- عبادت‌پور، بهناز (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۸-۷۹، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- Cauchlin, John.P. (2002) The Demand/ withdraw Pattern of Communication as a Predictor of Marital Satisfaction Over Time. *Humany Communication Research*, (Vol 28) No1.
- Christensen, a. & Heavey, C.L. (1990). Gender and social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 73-81.
- Fitzpatrick, M.A. (1988). Approaches to marital interaction. In P. Noller & M.A. Fitzpatrick (Eds). *Perspectives on marital interaction*, p 99-120, Philadelphia: Multilingual Matters.
- Fogarty, T.F. (1976). Marital crisis. In P.J. Guerin (Ed.), *Family therapy: Theory and practice*, p. 325-334, New York: Gardner.
- Gottman, J.M. (1993a). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*, 7, 57-75.
- Gottman, J.M. (1993b). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of 5 type of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 6-15.
- Gottman, J.M.; Notarius, C.I.; Gonso, J. & Markman, H.J. (1976). *A Couples guide to Communication*. Champaign, IL: Research Press.
- Gottman, J.M. & Krokoff, L.J. (1989). Marital interaction and satisfaction; A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 45, 47-52.

- Gottman, J.M. & Levenson, R.W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 737-745.
- Heavey, C.L; Christensen, A. & Malamuth, N.M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of Consulting and Chlnical Psychology*, 63, 797-801.
- Heavey. C.L; Layne, C. & Christensen, A. (1993). Gender and conflict structure in marital interaction: Areplication and extension. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 16-27.
- Jacobson, N.S & Margolin, G. (1979). *Marital therapy: strategies based on social learning and behavior exchange principles*, New York: Brunner/Mazel.
- Johnson, D.R; White, L.K; Edwards, J.N. & Booth, A. (1986). Dimensions of marital quality: Toward methodological and conceptual refinement. *Journal of Family Issues*, 7, 31-49.
- Levenson, R.W. & Gottman, J.M. (1985). Physiological and affective predictors of change in relationship satisfaction. *Journal of personality and Social Psychology*, 46, 85-94.
- Noller, P; Feeney. J. A; Bonnell, D & Callan, V. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 11, 233-252.
- Noller, P & Vernardos, C.(1986). Communication awareness in married Couples. *Journal of Social and Personal Relationship*, 3, 31-42.
- Olson, D.H; Fournier, D.G & Druckman, J.M (1982). *Prepare-Enrich: Counselor's manual*. Minneapolis, MN: prepare- Enrich Inc.
- Strean, H.S (1985). *Resolving marital Conflicts: A Psychodynamic perspective*. New York: Wiley.

